



جاء جعل

عبدالله زنجانی

بزرگان یهود، مسأله حرمت ماهی گیری در روز شنبه است. خدا به یهودی‌ها دستور داده بود که توی روز شنبه حق ندارن کار تجاری انجام بدن یا به شکار برن و در نتیجه ماهیگیری هم که جزو شکار محسوب می‌شد؛ ممنوع شد.^۱

اما یهودی‌ها دست به تحریف حکم خدا زدن. می‌پرسین چطوری؟ اونا گفتن خوب ما روز شنبه ماهی‌ها رو توی دام میندازیم اما از توی آب بیرون نمی‌یاریم. این‌جوری هم ماهی‌هارو گرفتیم و هم این‌که اکه خدا اعتراض یا قصد عذاب کرد؛ بهش می‌گیم که ما هنوز ماهی‌هارو صید نکردیم و از آب بیرون نیاوردیم؟!

یهودی‌ها طبق نقشه‌ای که طراحی کرده بودن، کنار مسیر اصلی آب یه برکه کوچیک درست کردن. یه راه آب هم واسش باز کردن. ماهی‌ها که به اندازه کافی توی برکه جمع شدن، راه اصلی آب رو بستن و ماهی‌هارو توی حوضچه‌ای که خودشون درست کرده بودن گیر انداختن. این‌طوری اون‌ها ماهی گیری کرده بودن ولی با یه اسم دیگه. بعد توی روز یکشنبه شروع کردن به گرفتن ماهی‌ها از توی برکه‌ای که شنبه پر از ماهی شده بود.

اونا با این کارشون حکم خدا رو به مسخره گرفته بودن. چون هدف از حرام‌بودن شکار و تجارت این بود که مردم روز شنبه به عبادت بپردازن؛ اما یهودی‌ها با تحریف حکم خدا، فرمان الهی رو به بازی گرفتن. خدا هم پس از فرصتی که برای توبه به اون‌ها داده بود، عذاب خودش رو نازل کرد و گروهی رو مسخ کرد.^۲

خوب این نمونه از تحریف فعلی حکم خدا بود. اما تحریفات دیگه‌ای هم وجود دارن که بهشون تحریف قولی می‌گن یعنی دست‌بردن توی الفاظ کتاب مقدس و جابه‌جا کردن اون‌ها برای رسیدن به هدف خاص. یهودی‌ها توی این کار هم مهارت خاصی از خودشون نشون دادن که توی شماره بعد به موارد متعددی از تحریف توی عهد قدیم اشاره می‌کنیم.

پی‌نوشت‌ها

۱. میراث بران، خویشان میت
۲. به دارایی به جامونده از میت «ماترک» می‌گن.
۳. بقره، ۴۲. آل عمران، ۷۱. بقره، ۱۷۴.
۴. نیا، ۴۰.
۵. همون ماجرای که طی اون Gulf Persian یعنی خلیج فارس رو به خلیج عربی جعل کردن. جاعل این عنوان هم مؤسسه «تشنال جئوگرافی» بود.
۶. بخش اول پنج‌کتاب، بخش دوم چهارده‌کتاب و بخش سوم نوزده‌کتاب‌رو شامل می‌شه. طبق به‌شمارش دیگه بخش دوم شانزده و بخش سوم هفده‌کتابه.
۷. بقره، ۵۳. بقره، ۸۷. انعام، ۱۵۴.
۸. کتاب مقدس، سفر خروج، باب ۲۰، بند ۸ الی ۱۱.
۹. بقره، ۶۵. نساء، ۴۷. اعراف، ۱۶۳.

و نادرسته یا بالعکس.^۳ البته خیلی روشنه که این فقط یه روی سکه است. یعنی روز قیامتی هم هست روزی که تحریف‌کنندگان و جاعلان آرزو می‌کنن که ای کاش به دنیا نیومده بودن مثل کافر که می‌گه ای کاش خاک بودم.^۴

مسأله تحریف و جعل فقط مربوط به امور عادی زندگی بشر نمی‌شه. بلکه درباره چیزای خیلی مهم‌تری هم جریان پیدا می‌کنه. مثل مسایل دینی و اعتقادی. یا مثل مسایل تاریخی و جغرافیایی. حتما ماجرای «پرشین گالف»^۵ یادتون می‌یاد! نه؟

اون یه جعل جغرافیایی بود. اما چیزی که موضوع بحث ماست؛ مسأله جعل توی کتاب مقدس ادیانیه. اول از همه به کتاب مقدس یهودی‌ها یعنی عهد عتیق می‌پردازیم. عهد قدیم از چند مجموعه تشکیل شده. اول پنج‌تا کتاب که از اون‌ها به اسفار خسته تعبیر می‌شه و به اون تورات هم می‌گن. بعد نوبت به «نبییم» می‌رسه و بعد از اون مجموعه‌ای که اسمش «کتوبیم» هست. عهد عتیق از ابتدا با داستان خلقت شروع می‌شه و بعد مرگ موسی^۶ رو بیان می‌کنه و ورود به فلسطین رو مورد اشاره قرار می‌ده و بعد هم به مباحثی درباره تاریخ انبیا و پادشاهی می‌پردازه.^۷

قرآن کریم بارها اشاره می‌کنه که حضرت موسی^۸ کتاب آسمانی داشته. کتابی که خدا بهش نازل کرده بود. اما متولیان کتاب مقدس به خاطر منافعشون، شروع به تحریف توی این کتاب کردن. یعنی همون راه دومی که شما می‌تونستی در برابر وراثت تیمورخان در پیش بگیرید. همون راهی که طبق اون بعضی از مسایل رو مخفی می‌کنی یا به بعضی از احکام چیزهایی رو اضافه می‌کنی.

یکی از بارزترین ماجراهای تحریف حکم خدا به‌دست

قبول کنین که امانت‌داری چیز خوبییه، اما همیشه به نفع ما نیست. یعنی به نفع دنیای ما نیست. بیابین فرض کنیم یه نفر به اسم تیمورخان یه چکی به مبلغ بالا به شما امانت داده؛ اون وقت همون تیمورخان از شما یه طلب زیادی هم داره. حالا کاملاً غیرمنتظره این آقا می‌افته و غزل خداحافظی رو می‌خونه.

شما می‌مونین و چندتا راهی که مقابلتون هست. اول این‌که امانت‌داری کنین. یعنی برین سراغ شازده پسر تیمورخان و اون چک امانی رو بهش پس بدین و بهش بگین که بابای مرحومش از شما فلان مقدار طلب داشته. خوب این یه راه مثبته که آخر دنیایی‌اش می‌شه زندون از نوع قصرش و ملاقات و... راه دوم هم اینته که بری پیش اون شازده پسر و با یه قیافه حق به‌جانب یه مبلغ جزئی رو از جیبت درباری و بهش بگی که «من و بابای مرحومت عالمی با هم داشتیم؛ پسر جان این پول رو بگیر و خرج مراسم بابات بکن!»

این‌جوری شما چندتا کار رو با هم کردی: اولاً این‌که تو چشم وراثت^۱ شدی آدم خوبه؛ ثانیاً بدهی خودت به تیمورخان رو مالیدی رفته پی کارش؛ ثالثاً اون چک امانتی رو نوش جونش کردی.

اما راه سوم آخر نامریدیه. یعنی شما به‌جای این‌که صرفاً وجود اون چک امانی رو انکار کنی، بیای و یک چک دیگه از اون مرحوم درست کنی ولی این دفعه اون بدهکار باشه و شما طلبکار. پس هم بدهی‌ات رو ندادی؛ هم امانت‌رو بالا کشیدی و هم وراثت رو بدهکار خودت کردی و شکایت پشت شکایت که تیمورخان به من بدهکار بوده و حالا باید از ماترکش^۲ پول من رو بدین. اسم راه اول حقیقت‌گویی یا حفظ امانته و راه دوم همون کاریه که بهش می‌گن تحریف و راه سوم هم اسمش جعل یا عوض کردن یه امر حق و درست با یه مطلب باطل